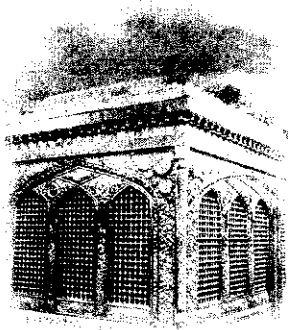


# مناظرات امام هشتم

## و دفاع از اهل بیت علیهم السلام



سید محمد حسین حسینی

بوده، احتمالات و اقوالی بیان شده است که برخی از آنها از این قرار است:

۱. گروهی بر این باورند که هدف مأمون جز این نبود که به پندار خویش مقام امام علیه السلام را در اسظار مردم مخصوصاً ایرانیان پایین آورد و مردم گمان کنند که حضرت رضا علیه السلام تنها به مسائل ساده قرآنی یا حدیثی آشناست و از فنون و علوم دیگر بی بهره است؛ چنان که خود مأمون به سلیمان مروزی، عالم مشهور علم کلام، بعد از اینکه دستور داد با حضرت رضا علیه السلام مناظره کند، گفت: «هدف من چیزی جز این

اهداف مأمون از تشکیل مناظرات پس از تحمیل ولایت عهدی توسط مأمون بر امام رضا علیه السلام در خراسان، جلسات گسترده بحث و مناظره به دستور مأمون تشکیل گردید و از اکابر دانشمندان و علماء زمان، اعم از مسلمان و غیر مسلمان برای حضور در این جلسات دعوت می شد.

بدون شک پوشش ظاهری این مناظرات اثبات و تبیین مقام والای امام هشتم علیه السلام در رشته های علوم مختلف و معارف قرآنی بود؛ اما اینکه هدف و یا اهداف پشت پرده مأمون از این کار چه

۳. مناظرات پوششی بوده است برای سرگرمی مردم و پوشیده ماندن نقاط ضعف حکومت مأمون.

۴. انگیزه دیگر مأمون این بوده که به عنوان یک زمامدار عالم در جامعه اسلامی معرفی شود و مردم عشق او را به علم و دانش، آن هم در محیط ایران و اسلام آن روز باور کنند و از این طریق، گروهی را جذب دستگاه خود سازد.<sup>۲</sup> به هر حال، مناظرات با هر انگیزه که تشکیل می شد، نتوانست مأمون را به اهداف خود برساند و برعکس، هر بار نتیجه به سود حضرت رضا و اهل بیت علیهم السلام تمام می شد.

### تنوع مناظرات

#### مناظرات حضرت رضا علیه السلام

فراوان و متنوع است که بخش مهمی از

۱. عیون اخبار الرضا علیه السلام، شیخ صدوق، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ج ۱، ص ۱۷۹؛ بحار الانوار، محمد باقر مجلسی، المکتبه الاسلامیه، ج ۴۹، ص ۱۷۷؛ سیره پیشوایان، مهدی پیشوایی، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ص ۵۱۲.

۲. عیون اخبار الرضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۳۹؛ بحار الانوار، ج ۴۹، ص ۲۹۰؛ سیره پیشوایان، ص ۵۱۳.

۳. سیره پیشوایان، صص ۵۱۳-۵۱۵، با تلخیص و تغییر.

نیست که راه را بر او ببندی؛ چراکه می دانم تو در علم و مناظره توانا هستی»<sup>۱</sup>

و ابیاصلت نیز در این باره می گوید: «از آنجا که امام در میان مردم به علت فضائل و کمالات معنوی خود محبوبیت روزافزون می یافت، مأمون بر آن شد که علماء کلام را از هر نقطه کشور فرا خواند تا در مباحثه، امام را عاجز کنند و بدین وسیله، مقامش از نظر دانشمندان پایین بیاید و عامه مردم نیز پی به کمبودهایش ببرند؛ ولی امام علیه السلام دشمنان خود، از یهودی، مسیحی، زردشتی، برهمن، صابئی، منکر خدا و... همه را در بحث محکوم کرد.»<sup>۲</sup>

۲. ممکن است هدف مأمون این بوده که می خواسته مقام والای امام هشتم علیه السلام را تنها در بُعد علمی منحصر کند و تدریجاً از مسائل سیاسی کنار بزند و چنین نشان دهد که امام مردی عالم و پناهگاه امت اسلامی در مسائل علمی است، نه در مسائل سیاسی و به این ترتیب، شعار تفکیک دین از سیاست را عملی کند.

خود مأمون.<sup>۱</sup> تک تک مناظرات حضرت دارای محتوای عمیق و عالی است و از نظر فن مناظره و طرز ورود و خروج در بحثها پربار و راهگشا و آموزنده است. در این مقال، فقط به آن سخنان و آن بخش از مناظرات آن حضرت اشاره می‌کنیم که به نوعی از اهل بیت علیهم السلام دفاع و حقانیت آنها به اثبات رسیده است.

#### ۱. مناظره با جاثلیق

بخش اصلی و مهم این مناظره، مربوط به اثبات نبوت پیامبر اکرم، حضرت محمد صلی الله علیه و آله می‌باشد، در قسمتی از آن می‌خوانیم:

«جاثلیق گفت: آری، می‌پذیرم که یوحنا از مسیح علیه السلام نقل کرده است و بشارت به نبوت مردی و نیز بشارت به اهل بیت و وصیش داده است؛ اما نگفته است این چه زمانی واقع می‌شود و این گروه را برای ما نام نبرده است.

حضرت فرمود: اگر ما کسی را بیاوریم که انجیل را بخواند و آیاتی از

این مناظرات را شیخ صدوق در کتاب «عیون اخبار الرضا علیه السلام» و مرحوم علامه مجلسی در جلد ۴۹ «بحار الانوار» و مرحوم طبرسی در جلد دوم «احتجاج» نقل کرده‌اند. همچنین در کتاب «مسند الامام الرضا علیه السلام» جلد ۲ نیز آمده است. اهم این مناظرات از این قرار است:

۱. مناظره با جاثلیق پیشوای بزرگ مسیحیان در زمان حضرت رضا علیه السلام؛

۲. مناظره با رأس الجالوت

پیشوای یهودیان در آن زمان؛

۳. مناظره با هرئز اکبر پیشوای زردشتیان؛

۴. مناظره با عمران صابئی مدافع

مذهب صابئین که خود را پیرو حضرت یحیی علیه السلام می‌دانند؛

۵. مناظره با سلیمان مروزی مشهورترین عالم علم کلام در خطه خراسان؛

۶. مناظره با علی بن محمد بن جهم ناصبی؛

۷. مناظره با ارباب مذاهب مختلف در بصره؛

۸. مناظره با جمعی از علماء و

۱. این مناظره در «تحف العقول» آمده است.

آن را که نام محمد ﷺ و اهل بیتش و امتش در آنهاست، برای تو تلاوت کند، آیا ایمان به او می آوری؟» جاثلیق گفت: بسیار خوب.

حضرت به نسطاس رومی فرمود: آیا سفر سوم انجیل را حفظ داری؟ گفت: بلی، حفظ دارم. سپس حضرت به رأس الجالوت (بزرگ یهودیان) رو کرد و فرمود: آیا تو هم انجیل می خوانی؟ گفت: آری، به جانم سوگند! فرمود: سفر سوم را بگیر! اگر در آن ذکری از محمد و اهل بیتش بود، به نفع من شهادت بده و اگر نه، شهادت نده! سپس امام ﷺ سفر سوم را قرائت کرد تا به نام پیامبر ﷺ رسید. آن گاه متوقف شد و رو به جاثلیق کرد و فرمود: ای نصرانی! تو را به حق مسیح و مادرش می خوانم، آیا قبول داری که من از انجیل باخبرم؟ جاثلیق گفت: آری. پس حضرت نام پیامبر و اهل بیت ﷺ و امتش را برای او تلاوت کرد و سپس فرمود: ای نصرانی! چه می گویی؟... جاثلیق: من آنچه را که وجود آن در انجیل برای من روشن شده است، انکسار نمی کنم و به آن

اعتراف دارم.<sup>۱</sup>

در جملات فوق، به خوبی حضرت رضا ﷺ در کنار اثبات حقانیت نبوت پیامبر اکرم ﷺ، امامت و وصایت امامان و اهل بیت عصمت ﷺ را نیز به اثبات رسانده است.

## ۲. مناظره با یحیی بن ضحاک

سمرقندی

روزی مأمون گروهی از فقهاء و متکلمان را جمع کرد تا با امام رضا ﷺ مناظره کنند. حضرت فرمود: شما یک نفر از بین خود انتخاب کنید و هر چه او گفت، شما ملتزم باشید! همه رضایت دادند که یحیی بن ضحاک سمرقندی که مانند او در خراسان نبود، انتخاب شود... آن گاه حضرت رو کرد به مأمون و فرمود: یحیی باید از پیشوایان خود برای من خبر دهد؛ آیا آنها نسبت به خودشان دروغ گفتند یا راست گفتند؟

پس اگر اعتقاد او این است که آنها نسبتهای دروغ به خود داده اند، کذاب

۱. الاحتجاج، طبرسی، ج ۲، صص ۴۰۵-۴۰۶.

به امر مأمون، در جلسه‌ای گرد هم آمدند. از امام رضا علیه السلام نیز دعوت به عمل آمد.

### برگزیدگی عترت علیهم السلام

وقتی حضرت در آن مجلس حضور یافت، مأمون رو به حاضران در مجلس کرد و گفت: از معنای این آیه به من خبر دهید: «ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ اصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا»<sup>۲</sup> «سپس این کتاب را به آن بندگانمان که آنها را برگزیده بودیم، به میراث دادیم.»

علماء در جواب گفتند: منظور خداوند، همه امت [اسلامی] است.

مأمون رو به امام رضا علیه السلام کرد که شما [در این باره] چه می‌گویید؟ حضرت فرمود: آن گونه که علماء گفتند، نمی‌گویم، بلکه می‌گویم: «أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِذَلِكَ الْعِترَةَ الطَّاهِرَةَ، منظور خدای تبارک و تعالی از این [کلمه اصطفتینا] عترت پاک [رسول خدا] است.»

مأمون گفت: چگونه منظور خداوند عترت است، نه مابقی امت؟

هستند و در نتیجه، لیاقت امامت [و خلافت] را ندارند و اگر عقیده‌اش این است که آنها هر چه نسبت به خود گفته‌اند، راست گفته‌اند، پس اولی از آنها (ابوبکر) گفت: «أَقْبَلُونِي وَلِيَتَّكُمُ وَ لَسْتُ بِخَيْرِكُمْ؛ خلافت را از من پس بگیرید [و مرا معاف دارید! ولی و خلیفه شما شدم]، در حالی که بهترین شما نیستم.» و دومی (عمر) گفت: «كَأَنْتَ بِنِعْمَةِ أَبِي بَكْرٍ فَلْتَهُ وَقَى اللَّهُ شَرَّهَا فَمَنْ عَادَ لِمِثْلِهَا فَأَقْتُلُوهُ؛ بیعت ابی بکر فتنه‌ای بود که خدا شَرِّش را حفظ کند. پس اگر کسی دو باره چنان بیعتی انجام دهد، او را بکشید!»

... و کسی که قتلش واجب است، چگونه عهد [و توصیه] او برای غیرش (انتخاب عمر) پذیرفته می‌شود، در حالی که خود او گفت: برای من شیطان گمراه کننده‌ای است. پس هر گاه به من مایل شد، مرا نگه دارید! و اگر خطا کردم، ارشادم کنید! پس اگر راست می‌گویند، امام و پیشوا نیستند و اگر دروغ می‌گویند، یحیی چه جوابی دارد!<sup>۱</sup>

### مناظره با جمعی از علماء عراق و

#### خراسان

گروهی از علماء عراق و خراسان

۱. همان، صص ۴۵۶-۴۵۷.

۲. فاطر ۳۲/.

چگونه برخورد می‌کنید. «يا أَيُّهَا النَّاسُ لَا تَعْلَمُوهُمْ فَإِنَّهُمْ أَغْلَمٌ مِنْكُمْ»<sup>۳</sup> ای مردم! به آنان چیزی یاد ندهید؛ زیرا آنان از شما داناترند.

### مراد از آل کیست؟

در ادامه مناظره، علماء پرسیدند: ای اباالحسن! آیا «عترت» همان «آل» است یا غیر آن؟ حضرت رضا علیه السلام فرمود: آنان همان آل هستند [نه غیر آن]. علماء گفتند: این رسول خدا صلی الله علیه و آله است که از او روایت شده که فرمود:

«أُمَّتِي آلِي؛ امت من آل من هستند.»

حضرت فرمود: [هرگز مراد از آل، امت نمی‌تواند باشد. دلیل آن این است که] از شما می‌پرسم: آیا صدقه بر آل محمد صلی الله علیه و آله حرام است [یا نه]؟ گفتند: آری [حرام است].

حضرت فرمود: آیا بر امت [نیز] حرام است؟ گفتند: نه. حضرت فرمود: این فرق میان آل و امت است. [لذا نمی‌شود گفت آل یعنی امت. آن گاه

حضرت رضا علیه السلام فرمود: اگر خداوند هم امت را قصد کرده بود، پس همه امت باید در بهشت باشند؛ چون [در ادامه آیه] همه را اهل بهشت قرار داده، می‌فرماید: «جَنَّاتٌ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا»؛ «بهشتهای همیشگی که داخل آن می‌شوند.» [یقیناً همه امت اسلامی اهل بهشت نیستند،] پس وراثت مخصوص عترت پاک است، نه دیگران.

### معصوم بودن عترت علیهم السلام

آن گاه حضرت رضا علیه السلام فرمود: آنان همان کسانی هستند که خداوند در قرآن توصیفشان کرده و فرموده: «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»<sup>۲</sup> «همانا خداوند می‌خواهد که آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.» و آنان همان کسانی‌اند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به درستی که من دو چیز گران‌بها: کتاب خدا و عترتم (اهل بیتم) را میان شما به جای می‌گذارم. هیچ گاه از یکدیگر جدا نشوند تا اینکه در حوض [کوثر] بر من وارد شوند. ببینید که پس از من با آن دو

۱. همان / ۳۳.

۲. احزاب / ۳۳.

۳. همان.

فرمود: [وای بر شما به کجا می روید!]

### برتری عترت در قرآن

حضرت رضا علیه السلام هر چند در محاصره مأمون و دستگاه او قرار داشت، ولی هر جا فرصت می یافت، برتری و حقانیت اهل بیت علیهم السلام را از طریق قرآن به اثبات می رساند تا مخالفان نیز وادار به پذیرش شوند. در ادامه مناظره پیش گفته می خوانیم:

مأمون گفت: آیا خداوند عترت را در قرآن بر مردمان دیگر برتری داده است؟

حضرت رضا علیه السلام فرمود: «إِنَّ اللَّهَ الْعَزِيزَ الْجَبَّارَ فَضَّلَ الْعِترَةَ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ؛ [بلی] به درستی که خداوند عزیز و قهار عترت را در آیات محکم کتابش بر دیگر مردمان برتری داده است.»

مأمون گفت: [این برتری دادن] در کجای کتاب خداست؟

حضرت رضا علیه السلام فرمود: در سخن خدای متعال که فرمود: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَى آدَمَ وَ نُوحًا وَ آلَ إِبْرَاهِيمَ وَ آلَ عِمْرَانَ عَلَى الْعَالَمِينَ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ»؛<sup>۲</sup> «به

یقین خداوند آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان عمران را بر مردم جهان برتری داده است و فرزندان که بعضی از آنان از [نسل] بعضی دیگرند.»<sup>۳</sup>

سخن حضرت اشاره به این است که عترت همان ذریه و فرزندان برگزیده ابراهیم علیه السلام هستند که بر دیگران برتری داده شده اند. و آیات دیگری نیز در برتری اهل بیت علیهم السلام آمده است؛ چنان که حضرت در ادامه می فرماید:

و خداوند در جای دیگر فرمود: «أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَ آتَيْنَاهُمْ مُلْكًا عَظِيمًا»؛<sup>۴</sup> «یا اینکه نسبت به مردم (اهل بیت) برای آنچه خدا از فضل خویش به آنان عطا کرده، رشک می ورزند. در حقیقت، ما به خاندان ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنان ملکی عظیم بخشیدیم.»

۱. تحف العقول، ابو محمد حرانی، انتشارات آل علی، چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۷۷۴-۷۷۶.  
 ۲. آل عمران / ۳۳ و ۳۴.  
 ۳. تحف العقول، ص ۷۷۶.  
 ۴. نساء / ۵۴.

امر اهل بیت علیهم السلام می‌باشند، از جمله امام صادق علیه السلام فرمود: «این آیه **«أَطِيعُوا اللَّهَ»** در باره علی بن ابی طالب، حسن و حسین علیهم السلام وارد شده است. پس گفته شد: مردم می‌گویند: چرا خداوند در کتابش (قرآن) نام علی و اهل بیت علیهم السلام را نبرده است؟ حضرت صادق علیه السلام فرمود: به آنها بگویند:

خداوند نماز را نازل [و واجب] فرمود، ولی [در قرآن] نفرمود: سه رکعت و یا چهار رکعت بخوانید تا اینکه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نماز را برای آنها تفسیر [و تعداد رکعات را بیان] کرد و [آیه] زکات را بر پیغمبر نازل کرد و نفرمود: از هر چهل درهم، یک درهم پرداخت کنید تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله برای مردم تفسیر کرد. و حج را واجب کرد و نفرمود: هفت بار طواف کنید تا اینکه رسول خدا صلی الله علیه و آله بیان کرد و همین

منظور از «الناس» پیامبر اکرم و اهل بیت علیهم السلام می‌باشند؛ چنان که در تفسیر صافی روایات متعددی به این مضمون نقل شده است.<sup>۱</sup> زمخشری نیز گفته منظور از «الناس» پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مؤمنان است<sup>۲</sup> که البته مؤمنان دارای فضیلت، همان اهل بیت علیهم السلام هستند. حضرت رضا علیه السلام در ادامه سخنان می‌فرماید:

آن گاه خداوند در قرآن روی سخن را به مؤمنان دیگر باز گردانده، [دستور داده است که از اهل بیت علیهم السلام اطاعت کنند؛ لذا] می‌فرماید: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ»**؛<sup>۳</sup> «ای کسانی که ایمان آورده‌اید! خدا را اطاعت کنید و پیامبر و صاحب امر از خود را [نیز] اطاعت کنید» مقصود [از دو آیه پیش گفته] کسانی است که کتاب [خدا] و حکمت را به ارث برده‌اند (اهل بیت علیهم السلام) و به خاطر این دو میراث به آنان رشک و حسد برده می‌شود... و [در آیه دوم] اطاعت از برگزیدگان منظور است.»<sup>۴</sup>

در ذیل آیه فوق، روایات فراوانی وارد شده است که منظور از صاحبان

۱. تفسیر الصافی، محسن فیض کاشانی، بیروت، مؤسسة الاعلمی للمطبوعات، ج ۱، ص ۴۶.

۲. الکشاف، زمخشری، بیروت، دار الکتب العربی، سوم، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۵۲۳.

۳. نساء / ۵۹.

۴. تحف العقول، صص ۷۷۶-۷۷۸.



طور آیه «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولَى الْأَمْرِ مِنْكُمْ» در باره علی و حسن و حسین علیهم السلام نازل شد. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله در باره علی علیه السلام فرمود: هر کس من مولا و سرپرست او هستم، علی مولای او است. و فرمود: شما را به کتاب خدا و اهل بیتم سفارش می‌کنم... و قرآن برای تأیید پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آیه تطهیر را در باره علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام نازل فرمود.<sup>۱</sup>

### تفسیر اصطفاء در قرآن

علماء در ادامه مناظره پرسیدند: آیا خدای متعال «اصطفاء» (برگزیدگی) را در قرآن تفسیر فرموده است؟ امام رضا علیه السلام فرمود: برگزیدگی [و اصطفاء] را به غیر از باطن [آیات] در ظاهر [قرآن] در دوازده جا تفسیر کرده است.<sup>۲</sup>

### ۱. آیه تطهیر

«إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا»<sup>۳</sup> «همانا خداوند اراده کرد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] ببرد و شما را پاک و پاکیزه گرداند.» و این فضیلت عصمت نشانه انتخاب و مصطفی بودن اهل

بیت علیهم السلام می‌باشد.

### ۲. آیه مباهله

«فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَابْنَاءَكُمْ وَ نِسَاءَنَا وَ نِسَاءَكُمْ وَأَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَلْ لَعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكَاذِبِينَ»<sup>۴</sup> «بگو: بیایید، پسرانمان و پسرانتان و زنانمان و زنانتان و نفوس ما و نفوس شما را دعوت کنیم. آن گاه مباهله کنیم و لعنت خدا را بر دروغگویان قرار دهیم.» خداوند در آیه فوق پاکان را از دیگران ممتاز ساخته و به پیامبر دستور داده آنها را برای مباهله بیاورد. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام را آورد و آنان را همپای خویش قرار داد. آن گاه حضرت رضا علیه السلام فرمود:

«آیا معنای سخن خدا: «أَنْفُسَنَا وَأَنْفُسَكُمْ» را می‌دانید؟ علماء حاضر در مجلس مأمون گفتند: مقصود از آن خود پیامبر صلی الله علیه و آله بوده است. حضرت

۱. تفسیر صافی، ج ۱، صص ۴۶۲-۴۶۳.

۲. از اینجا به بعد به جهت اختصار، آیات مورد استناد امام رضا علیه السلام با توضیح خلاصه شده، بیان می‌شود.

۳. احزاب / ۳۳.

۴. آل عمران / ۶۱.

طوری که مردم زبان به شکایت گشودند و عباس [عموی پیامبر] شکوه کرد و گفت: ای رسول خدا! [در خانه] علی را باقی گذاشتی و [در خانه‌های دیگر را بستی و] ما را بیرون کردی؟ فرمود: «من او را باقی نگذاشتم و شما را بیرون نکردم، بلکه خدا او را [در مسجد] باقی گذاشت و شما را بیرون کرد.»

و این قضیه آشکار کننده این سخن پیامبر ﷺ به علی ﷺ است که فرمود: «منزلت تو نسبت به من همانند منزلت هارون نسبت به موسی است.» علماء گفتند: این در کجای قرآن

آمده است؟ حضرت رضاء ﷺ فرمود: در این مورد، آیه‌ای از قرآن را برای شما می‌خوانم که شاهد این ادعاست و آن این است: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَ الْقَوْمَ كَمَا بَوَّءْنَا لِأَيُّوبَ إِذِ جَاءَكَ رُسُلُنَا فَاخْلَعْ ثِيَابَ بَيْتِكَ وَابْتَعِدْ آبَاءَكَ وَذُرِّيَّتَهُ فَيُتْلَىٰ عَلَيْكَ وَأَنْصُرُوا مَبِيتَكَ فَابْتَغِ رِزْقًا يَدْعُكَ إِلَيْهِ فَاتَّخِذْ لِحَاظِهِ فَإِنْ يُضِلَّهُ فَشِدْ لَهُ الْأُكْحُلَ عُنُقَهُ وَخُذْ حَقَّكَ وَاتَّقِ اللَّهَ إِنَّهُ غَفُورٌ ذَكِيمٌ»<sup>۱</sup> «و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن، برای قوم خود در مصر خانه‌هایی ترتیب دهید و

ابوالحسن ﷺ فرمود: اشتباه گفتید. مسلماً تنها علی ﷺ را قصد کرده است. از چیزهایی که دلالت بر این مطلب می‌کند، سخن پیامبر است که در مورد طائفه «بنو ولیعه» فرمود: باید [به کارهای زشت خود] پایان دهند وگرنه مردی همچون خودم را به سوی ایشان می‌فرستم (علی ﷺ). و این امتیازی است که هیچ کس به آن پیشی نگرفته و برتری‌ای است که هیچ بشری به آن راه نیافته و شرافتی است که هیچ آفریده به آن سبقت نگرفته است؛ چرا که جان علی ﷺ را همانند جان خویش قرار داد.»<sup>۱</sup>

علماء عامه، از جمله زمخشری به این مسئله اعتراف دارند که آیه مباهله قوی‌ترین دلیل بر برتری اصحاب کساء ﷺ است.<sup>۲</sup>

۳. باز ماندن در خانه اهل بیت ﷺ به مسجد پیامبر ﷺ

امام چهارم ﷺ فرمود: پیامبر ﷺ همه مردم را از مسجدش بیرون کرد [و در خانه‌های آنها را به مسجد بست]، جز عترت [خویش] را [که در خانه آنها را به سوی مسجد باز گذارد]، به

۱. تحف العقول، ص ۷۷۸.

۲. الکشاف، ص ۳۷۰.

۳. یونس / ۸۷.

آیه نازل شد، رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: فاطمه را نزد من بخوانید! فاطمه علیها السلام را دعوت کردند. آن گاه حضرت فرمود: ای فاطمه! عرض کرد: لَبَّيْكَ ای رسول خدا! رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: به درستی که فدک با اسب سواران و شتر سواران سپاه [و خلاصه با جنگ] به دست نیامده، بلکه آن مختص من است، نه مسلمانان. به خاطر فرمان خداوند آن را برای تو قرار دادم. آن را برای خودت و فرزندان نگه دار! <sup>۲</sup>

#### ۵. آیه مودت

خدای عزیز فرمود: «قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ»؛ <sup>۳</sup> «بگو: به ازاء آن (رسالت) پاداشی از شما درخواست ندارم، جز دوستی در باره خویشاوندان [و اهل بیتم].» این امتیاز مختص پیامبر صلی الله علیه و آله و آل اوست، نه باقی انبیاء و آلشان... خداوند دوستی اهل بیت علیهم السلام را واجب کرد؛ چون می دانست آنها هیچ گاه از دین سر بر

سراهایتان را رو به روی هم قرار دهید! در این آیه شأن و مقام هارون علیه السلام نسبت به موسی علیه السلام و همچنین شأن و مقام علی علیه السلام نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله [با توجه به حدیث منزلت بیان شده] است. و همراه این، دلیل آشکار دیگری در سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: «همانا این مسجد برای جنب و حائض حلال نیست، جز بر محمد و آل محمد صلی الله علیه و آله».

علماء گفتند: این شرح و بیان جز در نزد شما جماعت خانواده رسول خدا صلی الله علیه و آله یافت نشود. حضرت رضا علیه السلام فرمود: و چه کسی این [فضیلت] را برای ما انکار می کند و حال آنکه رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: «من شهر دانشم و علی درب آن.» پس هر که بخواهد وارد شهر دانش شود، باید از آن وارد شود... <sup>۱</sup>

#### ۴. آیه ذوی القربی

سخن خدا است که فرمود: «وَأَتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ»؛ <sup>۲</sup> «و حق خویشاوندان را بده!» این امتیازی است که خدای عزیز و قهار، ایشان را به آن اختصاص داده و آنان را بر امت برگزیده است. وقتی این

۱. تحف العقول، ص ۷۸۰.

۲. اسراء / ۲۶.

۳. تحف العقول، ص ۷۸۰.

۴. شوری / ۲۳.

به آن عمل می‌کنید؟ کسی پاسخ او را نداد.

سپس فرمود: ای مردم! متوجه باشید آن [عمل واجب] در مورد طلا و نقره و خوردنی و پوشیدنی [و خلاصه در باره درخواست مال] نیست. مردم گفتند: پس در این صورت، آن را بیان کنید! حضرت این آیه (پیش گفته) را تلاوت فرمود. [مردم] گفتند: اگر این باشد، آری، عمل می‌کنیم. ولی بیشتر آنان وفا نکردند...<sup>۱</sup>

#### ع. آیه صلوات

خداوند می‌فرماید: ﴿إِنَّ اللَّهَ وَ مَلَائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾<sup>۲</sup> «خداوند و فرشتگانش بر پیامبر درود می‌فرستند. ای کسانی که ایمان آورده‌اید! بر او درود بفرستید و سلام گوید و کاملاً تسلیم باشید!»

و سلام و درود کامل آن است که بر آل او نیز سلام و درود فرستاده شود. ... مأمون گفت: این چیزی است که در آن هیچ گونه اختلافی نیست،

نمی‌تابند و هیچ گاه به گمراهی باز نمی‌گردند و [نکنه] دیگر اینکه اگر مردی دوستدار مردی باشد، ولی یکی از خانواده او را دشمن بدارد، دلش [در دوستی او] سالم و صاف نخواهد ماند. پس هر کس به این دستور عمل کند و با رسول خدا ﷺ و خانواده او دوست باشد، رسول خدا ﷺ نمی‌تواند او را دشمن بدارد و هر کس دوستی اهل بیت علیهم السلام را ترک کند و به آن عمل نکند و خانواده پیامبر ﷺ را دشمن بدارد، بر رسول خدا ﷺ لازم است که او را دشمن بدارد؛ چرا که او واجبی از واجبات خدا را ترک کرده است. ... آن گاه که این آیه نازل شد، رسول خدا ﷺ در میان اصحابش ایستاد و خدا را سپاس گفت و ستود. سپس فرمود: ای مردم! به راستی خداوند بر شما عملی را واجب کرده است، آیا به آن عمل می‌کنید؟ کسی به او پاسخ نداد. روز دوم در میان آنان ایستاد و همانند سخن روز قبل را تکرار کرد. کسی به او پاسخ نداد. روز سوم در میان آنان ایستاد و فرمود: ای مردم! به راستی خداوند عملی را بر شما واجب کرده است، آیا

۱. تحف العقول، ص ۷۸۴.

۲. احزاب / ۵۶.

**علماء عامه، از جمله  
زمخشری به این مسئله  
اعتراف دارند که آیه مباحله  
قوی ترین دلیل بر برتری  
اصحاب کساء علیهم السلام است**

در ادامه، امام رضا علیه السلام به آیات  
خمس و غنیمت،<sup>۷</sup> اطاعت از صاحبان  
امر،<sup>۸</sup> ولایت،<sup>۹</sup> اهل الذکر،<sup>۱۰</sup> امر به نماز  
اهل بیت<sup>۱۱</sup> و... استناد می‌کنند که  
دلالت بر برتری اهل بیت علیهم السلام و  
برگزیدگی آنان دارد.<sup>۱۲</sup>

بلکه اتفاق نظر است. آیا در نزد شما در  
مورد «آل» چیزی واضح تر از این در  
قرآن وجود دارد؟

۷. آیه سلام بر اهل بیت علیهم السلام

ابوالحسن الرضا علیه السلام فرمود: شما  
را از سخن خداوند آگاه می‌سازم که  
فرمود: «يَسَ وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ اِنَّكَ لَمِنَ  
الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛<sup>۱</sup> «یس،  
سوگند به قرآن حکمت‌آموز که قطعاً  
تو از فرستادگان بر راه راست هستی.»  
مقصود از «یس» چیست؟ علماء گفتند:  
[مقصود از] یس محمد صلی الله علیه و آله است و در  
این سخن تردیدی نیست. حضرت  
ابوالحسن علیه السلام فرمود: خداوند به  
محمد صلی الله علیه و آله و آلش با این [آیه و آیات  
دیگر] فضیلتی بخشیده است که هیچ  
کس با اندیشیدن [نیز] به‌گفته آن نرسد و  
آن این است که خداوند متعال بر هیچ  
کس سلام نفرستاده، مگر بر پیامبران  
الهی، مانند: نوح علیه السلام،<sup>۲</sup> ابراهیم علیه السلام،<sup>۳</sup>  
موسی علیه السلام و هارون علیه السلام؛<sup>۴</sup> و نفرموده  
سلام بر آل نوح علیهم السلام، و یا آل  
ابراهیم علیهم السلام... تنها در مورد آل پیامبر  
اکرم صلی الله علیه و آله فرمود «سَلَامٌ عَلَىٰ اٰلِ يٰسَیْنٍ»؛<sup>۵</sup>  
یعنی سلام بر آل محمد صلی الله علیه و آله.

۱. یس / ۴-۱.

۲. صافات / ۷۹.

۳. همان / ۱۰۳.

۴. همان / ۱۲۰.

۵. همان / ۱۳۰.

۶. تحف العقول، ص ۷۸۸.

۷. انفال / ۴۱.

۸. نساء / ۵۹.

۹. مانند / ۵۵.

۱۰. نحل / ۴۳.

۱۱. طه / ۱۳۲.

۱۲. ر.ک: تحف العقول، صص ۷۸۸-۷۹۲.